

## تردید در نیروی اهریمنی\*

مریم سراجیان تهرانی

«تردید» به عنوان یکی از ویژگی‌های مشترک سه نوع ادبی فانتزی، علمی-تخیلی و پسامُدرن است. تزوتان تودوروف<sup>۷</sup>، هم‌آن‌گونه که برایان مک‌هیل<sup>۸</sup>، در «رمان پسامُدرن»<sup>۹</sup> به آن اشاره می‌کند، از این عنصر به عنوان یکی از ویژگی‌های مشترک بسیار مهم این سه گونه ادبی نام می‌برد و معتقد است: «رمان پسامُدرن به همان اندازه که شباهت‌های زیادی با نوع فانتزی دارد، با داستان‌های علمی-تخیلی نیز دارای ویژگی‌های مشترک بسیاری است و همان‌گونه که بُن‌مایه‌ها و مضامین مکرر بسیاری را از ادبیات فانتزی می‌گیرد، ارتباط همسانی را نیز با رمان علمی-تخیلی برقرار می‌کند. علت این که رمان پسامُدرن قادر به گرفتن مضامین مکرر از نوع فانتزی است، این است که نوعی هستی‌شناسی بر گونه فانتزی، مانند نوع علمی-تخیلی و هم‌چنین نوع پسامُدرن حاکم است» (ص ۷۴).

بر اساس نظر فیلیپ پولمن، داستان علمی-تخیلی، در دنیایی جریان دارد که تلفیقی از دنیاهای خیالی است و تنها راه ارتباط این دنیها به هم «خطی از دلیل آوردن» است؛ دلایلی که به‌طور عمده در دنیایی همانند دنیای ما و دنیایی ورای محدودیت‌های آن ریشه دارد و باعث ایجاد لحظات «تردید» بین این دو می‌شود. البته در داستان‌های فانتزی «قطع ارتباط منطقی» بین دنیای عادی و دنیای فراهنجار<sup>۱۰</sup> موجود است. فیلیپ مارتین<sup>۱۱</sup> اعتقاد دارد ادبیات فانتزی، توجه خاص خود را به دنیای غیر عقلانی معطوف می‌دارد که مواجه شدن آن با فضای دنیایی مانند دنیای واقعی ما، «تردید» آشکاری در خواننده ایجاد می‌کند. علاوه بر این، در داستان پسامُدرن که یکی از ویژگی‌های اصلی آن «کثرت»<sup>۱۲</sup> است، «تردید» از تقابل دنیای واقعی و دنیای غیر واقعی به وجود

\* کتاب ماه کودک و نوجوان، ش ۱۴۱، تیر ۱۳۸۸، صص ۱۲-۱۹. نوشتار حاضر نقدی است بر کتاب نیروی اهریمنیش، نوشته فیلیپ پولمن، ترجمه فرزاد فرید، که در سال ۱۳۸۵ از سوی کتاب پنجره منتشر شده است.

می‌آید. به عبارت دیگر، همان‌گونه که مالپش<sup>۱۳</sup> بیان می‌کند، پرسش درباره دنیاها همیشه در داستان‌های پسامدرن مطرح است.

دبرا کوگان تکر<sup>۱۴</sup> در کتاب *معرفی ادبیات کودکان* از امانتی‌سیسم تا پسامدرنیسم،<sup>۱۵</sup> تعریفی بسیار مشابه تعریف «تردید» ارائه می‌دهد: «این امکان وجود دارد که ادعا کنیم پسامدرن از شرایط تاریخی و اواخر کاپیتالیسم<sup>۱۶</sup> و نقطه آغاز چندفرهنگی ایجاد شده است. به‌طور حتم، تشویش‌های هستی‌شناخته‌ای که پس از جنگ جهانی دوم به وجود آمدند [...] در وضعیت کسانی که برای کودکان می‌نویسند، تأثیرگذار بوده است؛ به گونه‌ای که نیاز به ارائه تصویر دنیا «همان‌گونه که هست»، باید مدام به تعویق انداخته شود. عدم اطمینان بنیادین درباره ماهیت دنیای نابه‌سامان نظم اخلاقی، نوع پیمای را که انتظار می‌رود در آثار کودکان وجود داشته باشند، دچار تهدید می‌کند.» (ص ۱۴۲)

هم‌چنین میلیسنت لتز،<sup>۱۷</sup> در *دنیاهای گوناگون در داستان‌های فانتزی*،<sup>۱۸</sup> به این مطلب اشاره دارد که تلفیقی از ویژگی‌های اواخر قرن نوزدهم و بیستم، با ویژگی‌های دیگری از «جایی دیگر»، «خیالی یا فرضی در آینده» (ص ۱۲۶) در *سه‌گانه نیروی اهریمنیش* دیده می‌شود.

علاوه بر این، مک هیل در کتاب *دیگرش با نام ساختمان پسامدرن*،<sup>۱۹</sup> به این اشاره می‌کند که دوگانگی دنیاها نباید لزوماً مربوط به دنیایی باشد که داستان در آن اتفاق می‌افتد، بلکه دو دنیایی که در تقابل قرار دارند، می‌توانند دو فرهنگ متفاوت باشند. به عبارت دیگر، مک هیل معتقد است که «تردید» می‌تواند در تقابل بین «دنیاهایی حاصل از فرهنگ‌های مختلف» (ص ۲۱۴) یا دنیاهایی حاصل از تفاوت، در «نرم‌های حقیقت‌نمایی» (همان صفحه) ظهور کند.

گسکوپی یر<sup>۲۰</sup> در مقاله‌ای با عنوان «نوشته‌های مذهبی معاصر»<sup>۲۱</sup>، با اشاره به امکان ایجاد تقابل دنیاها، در قالب دنیاهای باوری و ایدئولوژیکی، می‌گوید: «پولمن علم و مذهب را به عنوان یک نهاد در کنار هم قرار می‌دهد. در دنیای فانتزی‌اش، بین آزادی و سلطه، [و] بین نوگرایی و سرسپردگی جدال در می‌گیرد. در همان حین، نویسنده [اثر] خواننده را در جریان‌های فکری درباره منشأ خلقت و خودآگاه انسان و شخصیت‌هایی که به پرسش‌های اخلاقی درباره خوب و شیطانی بها می‌دهند، درگیر می‌کند.» (ص ۳۱۴).

هم‌چنین تقابل بین دنیاهای مختلف آثار ادبی مهم، به عنوان منبع الهام‌پذیری نویسنده اثر در سرتاسر رمان سایه افکننده است. باتلر<sup>۲۲</sup> عمده این آثار را *بهشت گمشده*،<sup>۲۳</sup> اثر جان میلتون<sup>۲۴</sup> و *نعمه معصومیت و تجربه*<sup>۲۵</sup> و *پیوند بهشت و دوزخ*،<sup>۲۶</sup> سروده ویلیام بلیک<sup>۲۷</sup> می‌داند و می‌گوید: «لرد عزریل»<sup>۲۸</sup> قصد دارد جنگ بهشت را که توسط جان میلتون توصیف شده بود، دوباره بچنگد تا قدرتی

را که خود را خدا نامیده است، عزل کند. عزریل می‌خواهد جایگزین پادشاهی بهشت شود؛ چون این با دنیای ما تفاوت دارد. معلوم نیست که در جنگ اولی چه کسی پیروز شد و پولمن [...] اعتقاد دارد که شیطان میلتن مسیاح<sup>۲۹</sup> است. بنابراین، اقدامات اخلاقی عزریل مبهم هستند» (ص ۸۱۲)

این مطلب، به عقیده پیتز هانت<sup>۳۰</sup> و میلیسنت لنز، خواننده را قادر می‌سازند تا در طی پرشی «ورامتنی به ورای متن سفر کند» (ص ۱۶۳).

علاوه بر این، گفته شده است که منابع دیگری نیز وجود دارد که پولمن از آن‌ها الهام گرفته و ردپای آن‌ها در تقابل‌های جزئی بین دنیاهای آن آثار ادبی دیگر قابل مشاهده است.

تقابل دیگر، زمانی اتفاق می‌افتد که دو مفهوم مرتبط به دنیاهای مذهب و ایدئولوژی، در برابر هم قرار می‌گیرند. لنز معتقد است گاهی سؤال‌هایی در مورد اصالت وجود در اثر دیده می‌شود و به نظر نویسنده این مقاله، هر کدام از این سؤال‌ها را می‌توان نمادی از دنیاهایی در نظر گرفت که بر مبنای تفاوت‌های مفهومی و ایدئولوژیکی هستند. به عنوان مثال، همان‌طور که لنز مطرح می‌کند، اعتقاد نیچه<sup>۳۱</sup> که می‌گوید: «خدا مرده است»، در این اثر، به‌وسیله خانم کولتر<sup>۳۲</sup> بیان می‌شود و در تقابل با نظریات کلیسا محور قرار می‌گیرد. تقابل متشابهی بین نظریه هبوط<sup>۳۳</sup> و ماهیت گناه، در اثر دیده می‌شود که بر نظریه مطرح شده به واسطه لنز صحنه می‌گذارد. علاوه بر این، جنگ معروف فرشتگان سرکش و خداوند در «قلمرو پادشاهی بهشت» نیز در این رمان، در موقعیت‌های مختلف و به گونه‌های مختلفی مطرح شده است که خود به دنیاهای متفاوتی می‌مانند که در مقابل هم قرار دارند. در این سه‌گانه، تمام مفاهیم یاد شده در تقابل با هم قرار دارند که باعث به وجود آمدن «تردید ایدئولوژیکی» در فضای رمان می‌شود. این نوع تردید، از صفحات نخست اثر، زمانی که لرد عزریل عقاید خود را در زمینه غبار<sup>۳۴</sup> در کالج جردن<sup>۳۵</sup> مطرح می‌کند و تلاش مدیر کالج برای کشتن او، به سبب اقیانوس عمیق تفاوت‌های اعتقادی بین باورهای کلیسا و کشفیات لرد عزریل دیده می‌شود. هم‌چنین محافظه‌کار بودن مدیر کالج که در مقابل روحیه تنوع‌طلب بعضی شخصیت‌های اصلی داستان مثل لایرا<sup>۳۶</sup>، خانم کولتر و لرد عزریل قرار گرفته است، این مطلب را به‌طور شفاف نشان می‌دهد. باید در نظر داشت که این روال، در کل اثر جریان دارد.

به‌طور کلی، مفهوم «تردید» که در اثر تقابل دنیاهای واقعی و غیر واقعی پا به عرصه وجود می‌گذارند و از ویژگی‌های مشترک سه نوع ادبی فانتزی، علمی-تخیلی و پسامدرن به شمار می‌آیند، به انواع متفاوتی در این اثر متجلی هستند که به بررسی جزئی‌تر آن می‌پردازیم.

در جلد اول سه‌گانه *نیروی اهریمنیش*، به نام *سپیده شمالی*<sup>۳۷</sup>، در بعضی چاپ‌های زبان اصلی اثر، به یادداشتی برمی‌خوریم که مکان داستان را به‌عنوان «دنیایی شبیه دنیای ما، ولی از جهاتی متفاوت» نشان می‌دهد. با توجه به این عبارت، حس تقابل دنیاها از ابتدا به‌صورت شفاهی به خواننده انتقال می‌دهد.

خواننده این رمان، اولین تجربه «تردید» را در ابتدای داستان حس می‌کند: لایرا که یکی از شخصیت‌های اصلی این رمان است، در حالی به خواننده معرفی می‌شود که با «شیتان»<sup>۳۸</sup> خود صحبت می‌کند. قبل از این که لایرا با شیتانش صحبت کند، خواننده اثر، او را کودکی عادی که متعلق به دنیای ماست، فرض می‌کند، اما بعد از آگاهی از حضور شیتان دچار تردید می‌شود. اسکوئیرز<sup>۳۹</sup> می‌نویسد: «[در *سپیده شمالی*]» در مکانی به نام آکسفورد، خواننده با لایرا و شیتان او آشنا می‌شود» (ص ۳۲). او در ادامه می‌گوید که با این نوع شروع، حس آشنایی و غربت به‌طور هم‌زمان در خواننده پدید می‌آید. در این‌جا «تردید» بین دنیایی که شبیه دنیای ماست و دنیای غیر واقعی کالج جردن که در داستان توصیف می‌شود، در خواننده به وجود می‌آید. اسکوئیرز این‌طور ادامه می‌دهد که: «راهروی دانشگاه آکسفورد که دخترک و شیتانش در آن در حال ماجراجویی هستند، فضایی است که هم واقعی می‌نماید و هم فانتزی؛ فضایی که بسیار شبیه کالج‌های واقعی در آکسفورد تصویر شده است: مکان انجام فرایض دینی، آیین‌ها و مقابله مداوم قدرت‌ها» (همان‌جا). او هم‌چنین بیان می‌کند که بریتان<sup>۴۰</sup>، مکانی که آکسفورد دنیای لایرا در آن قرار دارد، در مقابل بریتانیا<sup>۴۱</sup>ی دنیای ما قرار می‌گیرد و به این طریق، بار دیگر در مقابله واقعی و غیرواقعی، حس «تردید» در *سپیده شمالی* بر خواننده مستولی می‌گردد.

در دنیای این کالج، دختر نوجوانی به نام لایرا وجود دارد با رفتارهایی متناسب با سن خود؛ دختری پُر نشاط و بازی‌گوش که از بازی روی پشت‌بام‌های کالج لذت می‌برد و از محدودیت‌ها گریزان است. در ابتدای داستان، لایرا به عنوان دختری یتیم معرفی می‌شود که پدر و مادر خود را در سانحه‌ای از دست داده است و عمویش لرد عزریل که یک دانشمند است، سرپرستی او را به عهده دارد و لایرا را تحت نظارت کالج جردن قرار داده. این‌ها اطلاعاتی هستند که امکان وجود در دنیای واقعی را دارند. لرد عزریل و نوع نگرش و برخوردهای اجتماعی‌اش، کاملاً مطابق هنجارهای رفتاری انسان‌های دنیای واقعی است. این‌ها مسایلی هستند بین دنیای ما و دنیای غیر واقعی‌ای که لایرا و لرد عزریل در آن زندگی می‌کنند و شاید تنها حضور شیتان‌هاست که این حس «تردید» را در خواننده تشدید می‌کنند.

لایرا یک انسان است با تمام خصوصیات که دختری به سن و سال او می‌تواند داشته باشد، ولی به نظر هانت و لنز، مهم‌ترین تفاوت لایرا و دختری به سن او در دنیای ما «دوگانگی» انسان و روان اوست که به صورت شیتانی قابل مشاهده وجود دارند. شیتان‌ها برای افراد دیگر دنیای لایرا و برای شیتان‌های دیگر قابل رویت هستند. آن‌ها در کودکان شکل ثابتی ندارند، بلکه بنا بر موقعیت تغییر شکل می‌دهند و در قالب حیوان‌های مختلف نمود پیدا می‌کنند. در زمان نزدیک بلوغ، این شکل به سختی قابل تغییر است و پس از بلوغ کامل، دیگر امکانی برای تغییر شکل آن‌ها وجود ندارد. انسان‌های دنیای لایرا، با این باور غریزی بزرگ شده‌اند که هیچ فردی حق دست زدن به شیتان فرد دیگری را ندارد و اگر چنین اتفاقی بیفتد، به عنوان مثال، مانند زمانی که خانم کولتر، شیتان لایرا را در دست می‌گیرد تا مانع از فرار او شود، این رفتار بسیار وحشیانه و توهین‌آمیز خواهد بود.

در *سپیده شمالی*، حقیقت دنیا همان‌گونه که هست و دنیاهای دیگری که در آن شیتان‌ها وجود دارند، در داستان سوم سفر آفرینش آمده است. در داستان آمده است در لحظه وسوسه آدم و حوا به وسیله شیطان که در قالب مار سعی در وسوسه آن‌ها داشت، «مار به زن گفت: یقین بدانید که نخواهید مرد؛ چرا که خدا خوب می‌داند. اگر از آن میوه بخورید، چشم‌های‌تان باز خواهد شد و شیتان‌های‌تان به شکل حقیقی خواهند رسید و شما هم‌چون خدایان خواهید شد و خیر را از شر تمیز می‌دهید» (ص ۲۵۲) <sup>۴۲</sup> و در *انجیل دنیای لرد عزریل*، داستان این‌گونه ادامه پیدا می‌کند که پس از فریب خوردن آدم و حوا «چشم هر دو باز شد و شکل حقیقی شیتان‌های‌شان را دیدند و با آن‌ها سخن گفتند» (همان جا). دنیایی که در *انجیل لرد عزریل* از آن سخن گفته شده است، شبیه دنیای لایراست. از طرفی دیگر، در *انجیل حقیقی* که متعلق به دنیای ماست، داستان هبوط آدم در سفر آفرینش به نوع دیگری بیان شده است. این موضوع می‌تواند دو نوع «تردید» به وجود آورد. ابتدا نوعی از «تردید» که حاصل تقابل مفاهیم ایدئولوژیکی - مذهبی موجود در *انجیل مسیحیان دنیای ما* و *انجیل متعلق به دنیای لرد عزریل* است. تصویر انسان‌ها آن‌گونه که در *انجیل دنیاهای ما* موجود است، شبیه انسان‌های دنیای مان است و تصویر آدم و حوا در دنیای لایرا، همان‌گونه است که انسان‌های دنیای او در داستان به تصویر کشیده شده‌اند. این موضوع باعث ایجاد نوع دیگری از تردید می‌شود که حاصل تقابل دنیای واقعی و دنیای غیر واقعی لایراست.

علاوه بر این، در دنیای لایرا دنیاهای موازی قابل رویتی در کنار دنیای او وجود دارند که لرد عزریل موفق به تهیه فیلم از یکی از آن‌ها شده بود. طبق آن فیلم، یکی از دنیاهای شهری داشت در آسمان با خیابان‌ها و ساختمان‌هایی شبیه دنیای واقعی. مفهوم وجود دنیا یا دنیاهای موازی در کنار

دنیای واقعی‌ای که خواننده به آن تعلق دارد، همان مفهومی است که با نظریات تودوروف و مک هیل، در کتاب *رمان پسامدرن* مطرح شده است و چون این دنیاها با دنیای لایرا که به دنیای واقعی شبیه است، در تقابل قرار گرفته‌اند، حس «تردید» در خواننده غیر قابل مقاومت است.

مفهوم دیگری در حیطه مکان که در این رمان قابل تأمل است و به ایجاد حس «تردید» کمک می‌کند، «سرزمین‌های شمالی» یا «قطب شمال» است که با واقعیت آن در دنیای ما متفاوت است. در *سپیده شمالی*، قطب شمال مکانی است که مرز بین دنیاها موازی در آن بسیار کوتاه است و در آن‌جا می‌توان دنیای از دنیاها موازی را زیر ذرات غبار آتورا دید. به عبارت دیگر، قطب شمال در سه‌گانه فیلیپ پولمن، نام خود را از قطب شمال در دنیای واقعی وام می‌گیرد، ولی ویژگی‌هایی که در آن سرزمین مشاهده می‌شود، متعلق به دنیای غیرواقعی است و این خود باعث ایجاد دوباره «تردید» در خواننده داستان می‌شود.

در دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم، انسان‌هایی وجود دارند که به جادو و علوم غریبه علاقه‌مندند، اما شخصیتی مانند جادوگران دنیای لایرا که سوار بر شاخه درختی به پرواز درمی‌آیند، تنها مؤنث هستند و عمری چند هزار ساله دارند، کاملاً با آن‌ها متفاوت است. در *سپیده شمالی*، خواننده با دنیایی مواجه می‌شود که علی‌رغم داشتن شباهت‌هایی با دنیای ما، جادوگران در آن زندگی می‌کنند؛ جادوگرانی که هر کدام به قبیله‌ای تعلق دارند. در این‌جا، جادوگری به نام سرافینا پکالا<sup>۴۳</sup>، به خواننده معرفی می‌شود که تقریباً تا اواخر رمان در صحنه حضور دارد. جادوگران دنیای لایرا به دو گروه تقسیم می‌شوند: آن‌هایی که در دنیاها مختلف از لایرا و دوستانش حمایت می‌کنند و آن‌هایی که با خانم کولتر همکاری دارند. وجود جادوگران در دنیایی که باید شبیه دنیای ما باشد، به‌طور آشکار «تردید» را در بعد خیابان این دنیا با تقابل واقعی و تخیلی، با خود به ارمغان می‌آورد.

جنبه دیگری از دنیای لایرا که در خواننده «تردید» ایجاد می‌کند، حضور خرس‌های زره‌پوش سفید است که در بسیاری از حوادث رمان نقش دارند. در حقیقت، خرس‌هایی که در دنیای واقعی در قطب زندگی می‌کنند و در فیلم‌های مستند با آن‌ها مواجه می‌شویم، خیلی شبیه یورک<sup>۴۴</sup> و دوستانش هستند، ولی نه زره‌پوش هستند، نه سخنگو و نه قادر به خلق حوادثی شبیه آن‌چه در *نیروی/هریمیش* اتفاق می‌افتد. خرس‌های زره‌پوش دنیای لایرا، موجوداتی بسیار وفادار و باهوش هستند که زرهی ساخته شده از فلز آسمانی می‌پوشند و به نکات اخلاقی و رفتاری پای‌بندند. خصوصیات این خرس‌ها هم در تقابل با دنیای حقیقی و هم در مقابل ویژگی‌های انسان‌های داستان، گونه‌های مختلفی را از «تردید» در حیطه ارزش‌های اجتماعی، در تقابل دنیای واقعی و غیرواقعی به وجود

می آورند. هم چنین حضور خرس‌هایی با این مشخصات، بار دیگر غیرواقعی را در برابر واقعی قرار می‌دهد و باعث بروز حس «تردید» در خواننده اثر می‌شود.

نکته دیگری که به نظر اسکوئیرز در جلد اول سه‌گانه فیلیپ پولمن قابل تأمل است، «هویت چندگانه»<sup>۴۵</sup> است. زمانی که لایرا در خطر است و به‌وسیله هم‌دستان خانم کولتر دستگیر می‌شود، خود را به نام لیزی بروکس<sup>۴۶</sup> معرفی می‌کند. تقابل بین هویت‌ها، هویت حقیقی و هویت غیرحقیقی، نوعی «تردید» را که در ذهن خوانندگان ادبیات پسامدرن بسیار آشناست، ایجاد می‌کند.

نزدیک به پایان کتاب اول از این مجموعه، لرد عزریل در ادامه تحقیقاتش، تصمیم به سفر به دنیای دیگری می‌گیرد. انرژی لازم برای پل زدن بین این دنیا و دنیای دیگر، با استفاده از جداسازی یک کودک، راجر<sup>۴۷</sup> از شیتانش تأمین می‌شود و لرد عزریل پا به دنیای جدیدی می‌گذارد و به دنبال لرد عزریل، لایرا هم به آن دنیای جدید راهی می‌شود. با یادآوری این نکته که خواننده داستان که به دنیای واقعی تعلق دارد، در حیطة واقعیت‌ها امکان سفر به دنیای دیگری را ندارد. از طرفی، حتی اگر خواننده فرضیه مطرح شده به وسیله فرد آلن ولف<sup>۴۸</sup> و باب توین<sup>۴۹</sup> را که در کتاب *متافیزیک از یک نگاه فیزیک: زمان‌ها و جهان‌های موازی، فضا، زمان، ماورا*<sup>۵۰</sup> و کتاب‌هایی از این قبیل را نیز بداند، باز امکان سفر به دنیاهای موازی را ندارد. از این‌رو به آن به عنوان جزیی از دنیای غیرحقیقی نگاه می‌کند. ورود به دنیای دیگر، از طرفی و نوع تأمین انرژی آن از سویی دیگر، تقابل دو غیر حقیقی و دو حقیقی را ایجاد می‌کند که باعث پدید آمدن «تردید»ی عظیم در خواننده می‌شود.

با ورود به جلد دوم مجموعه، با نام *خنجر ظریف*<sup>۵۱</sup>، با شخصیتی به نام ویل<sup>۵۲</sup> مواجه می‌شویم که در دنیایی همانند دنیای واقعی ما زندگی می‌کند؛ دنیایی که در آن از شیتان‌ها خبری نیست. اما این حس ورود به دنیای واقعی دیر نمی‌پاید؛ زیرا با قدم گذاشتن ویل به دنیای جدید که از راه درپچه‌ای بین چمن‌ها کشف می‌کند، تقابل دنیای واقعی و دنیای غیر واقعی پیدایش، نوع جدیدی از «تردید» را رقم می‌زند.

به محض ورود ویل به دنیای جدید، ویل با لایرا مواجه می‌شود. تقابل دو کودک که هر کدام به دنیایی تعلق دارند و آشنایی آن‌ها در دنیای سوم، حس «تردید»ی را که با ورود ویل به دنیای جدید ایجاد شده بود، پُررنگ‌تر می‌کند.

اتفاق دیگری که «تردید» را در ذهن خواننده جانی تازه می‌بخشد، ورود لایرا به همراه ویل به دنیای اوست. لایرا، کودکی از دنیایی که شیتان‌های‌شان قابل رویت است، وارد دنیایی همانند دنیای

واقعی می‌شود که خواننده در آن زندگی می‌کند و این امر، بار دیگر واقعیت را در مقابل دنیای خیالی قرار می‌دهد.

لایرا در دنیای ویل، با محققى به نام دکتر مری مالون<sup>۵۳</sup> آشنا می‌شود که درباره غبار تحقق می‌کند. لایرا با دکتر مالون، علاوه بر تقابل دنیاهای حقیقی و غیر حقیقی که این دو نفر به آن تعلق دارند، نوع دیگری از «تردید» را نیز به وجود می‌آورد. در دنیای لایرا، کامپیوتر وجود خارجی ندارد و تکنولوژی دنیای ویل و مری مالون غیر واقعی است. در این لحظه، لایرا هم در برابر آنچه از نظر او غیر حقیقی است، «تردید» را تجربه می‌کند.

دنیای مشترک لایرا و ویل که چیتاگاتزه نام دارد، ابتدا شبیه دنیای واقعی به نظر می‌رسد، اما در این دنیا دو کودک با ماهی‌گیری مواجه می‌شوند که از امکان سفر به دنیاهای دیگر آگاهی دارد. این امر باعث می‌شود بار دیگر عنصر «تردید» در متن خودنمایی کند؛ زیرا بار دیگر حقیقی‌نمایی با غیر حقیقی مواجه می‌شود. از طرفی دیگر، در این دنیا نوعی از اشباح وجود دارند که افراد بالغ را از بین می‌برند، ولی به بچه‌ها آسیبی نمی‌رسانند. این ماجرا نیز بار دیگر تقابل بین دنیای واقعی و دنیای غیر واقعی را نشان می‌دهد و بی‌شک، خواننده بار دیگر «تردید» را تجربه می‌کند.

از سویی، دکتر مالون نیز وارد سفر بین دنیاهای می‌شود؛ در دنیایی که مری مالون به آن وارد می‌شود که در آنجا موجوداتی متعلق به دنیای غیرواقعی حضور دارند. برابر هم قرار گرفتن مری مالون که از دنیای واقعی می‌آید و موجوداتی که به دنیای غیرواقعی تعلق دارند، بار دیگر «تردید» را برای داستان رقم می‌زند.

در بین موارد زیادی که در کتاب دوم این سه‌گانه، «تردید» را به وجود می‌آورند، دست یافتن ویل و لایرا به خنجر ظریف است و ویل که بدون خواست خود حامل آن دانسته می‌شود، از آن پس مجبور به رفت و آمد به دنیاهای دیگر می‌شود که این خود «تردید» را به کرات به وجود می‌آورد. به‌طور کل، کتاب دوم سه‌گانه نیروی/هریمینش، مانند جلد اول مجموعه، خواننده را در موقعیت‌های زیادی قرار می‌دهد که در آن‌ها دنیای واقعی و دنیای غیر واقعی مقابل هم قرار می‌گیرند؛ به گونه‌ای که به‌طور قطع، خواننده «تردید» را تجربه می‌کند.

با شروع کتاب سوم، به نام کهربایی<sup>۵۴</sup>، خواننده وارد دنیایی می‌شود بسیار نزدیک به دنیای واقعی؛ دنیایی با طبیعتی بکر و قابل تحسین، اما این حس آرامش خواننده، به سرعت با حضور خانم کولتر و شیتاناش در این دنیا و لایرا که به واسطه خانم کولتر در خواب نگه داشته شده است، به «تردید» پیوند می‌خورد. این مواجهه، زمانی که لایرا در خواب قادر به ارتباط با روح راجر می‌شود، رنگ تازه‌ای



از تقابل واقعی و غیر واقعی را تجربه می‌کند که نوع جدیدی از «تردید» را به ذهن خواننده القا می‌کند. از سویی دیگر، وجود موجوداتی سنجاقک‌سوار، با نیش‌هایی سمی که از طرف لرد عزریل برای جاسوسی فرستاده شده‌اند، در دنیایی که شبیه دنیای واقعی است، این حس «تردید» را افزایش می‌بخشد.

در اواسط جلد سوم رمان، ویل و لایرا موفق می‌شوند به دیار مردگان سفر کنند و با این سفر، خواننده را با موج تازه‌ای از «تردید» مواجه سازند. ابتدا، هنگامی که ویل و لایرا به کمک خنجر ظریف به دنیای مردگان راه پیدا می‌کنند، مردگان از حضور افراد زنده در دنیای خود متعجب می‌شوند. دوم این که مردگان، توان سخن گفتن با ویل و لایرا را دارند و این هم نوع دیگری از تقابل واقعی و غیر واقعی را به نمایش می‌گذارد. در قسمتی دیگر از دیار مردگان، لایرا و ویل خانواده‌ای را می‌یابند که زنده هستند و در خانه‌ای با مرگ‌هاشان زندگی می‌کنند. آن‌ها به بچه‌ها می‌گویند که مرگ هر آدمی نزدیک او، اما نهان از چشمان وی است و اگر کسی بخواهد مرگ خود را ببیند و با او سخن بگوید، فقط کافی است اراده کند. علی‌رغم مخالفت‌های پنتالیمون<sup>۵۵</sup>، لایرا مرگ خود را صدا می‌کند. او متوجه می‌شود که دیدن و سخن گفتن با مرگ هیچ خطری ندارد و او برای این کار، نیازی به مردن ندارد. لایرا هم‌چنین متوجه این موضوع می‌شود که مرگ آدم‌ها تا زمانش فرا نرسیده باشد، آن‌ها را با خود نمی‌برد.

ویل برای دیدن و سخن گفتن با پدرش و لایرا برای دیدن دوستش راجر، به عمق دیار مردگان سفر می‌کند. در آن هنگام، لایرا مجبور به جدا شدن از پین می‌شود تا زمانی که در اواخر رمان، او را دوباره پیدا می‌کند. تا این‌جا، از زمان ورود این دو کودک به همراه دو موجود همراهشان به دیار مردگان، گونه‌های زیادی از تقابل واقعی و غیر واقعی و واقع‌نما و غیر واقعی مشاهده می‌شود که باعث جریان موج «تردید» در داستان می‌شود. سرانجام، ارواح مردگان با کمک بچه‌ها و خنجر ظریف، از آن‌جا به دنیای دیگری سفر می‌کنند تا در ذرات موجود در هوا پخش و به صورت ذراتی در کائنات جاری شوند.

از سوی دیگر، «تردید» مذهبی-ایدئولوژیکی در داستان جریان دارد. خانم کولتر و لرد عزریل که پدر و مادر واقعی لایرا هستند، برای اولین بار سعی در اتحاد با هم دارند تا دخترشان را از نابودی حتمی نجات دهند؛ زیرا جادوگران پیش‌بینی کرده‌اند که لایرا روزی مانند حوا فریب خواهد خورد و سرنوشت بشر با گناه آلوده خواهد شد. آن‌ها تصمیم می‌گیرند متاترون<sup>۵۶</sup> یا ابرقدرت<sup>۵۷</sup> را که همان شیطان است، نابود کنند.

جلد سوم *نیروی/هریمنیش* در حالی پایان می‌یابد که لایرا و ویل، پس از بازگشت به دنیای واقعی، با مسئولیت خطیر خود، به وسیله مری مالون و سرافینا پکالا آشنا می‌شوند و می‌فهمند که باید برای انجام رسالت خود، هر کدام به دنیای خود بازگردند. آخرین جمله که داستان با آن پایان می‌یابد، پاسخ لایرا در جواب به سؤال پنتالیمون است. پن<sup>۵۸</sup> از لایرا درباره این می‌پرسد که آن‌ها در آینده مسئول انجام چه کاری هستند و لایرا پاسخ می‌دهد: ساختن «جمهوری بهشت». پاسخ لایرا به سؤال پن، باعث می‌شود که لحظه پایانی داستان هم با نوعی تقابل دنیاهای واقعی و غیرواقعی انجام گیرد و خواننده در آخرین لحظات هم «تردید» را احساس کند.

با بررسی عنصر «تردید» در سه‌گانه *نیروی/هریمنیش* و با توجه به این عنصر که از مهم‌ترین ویژگی‌های مشترک سه نوع ادبی فانتزی، علمی-تخیلی و پسامدرن است، می‌توان این رمان را به عنوان اثری که می‌تواند در هر سه گونه ادبی مطرح شده قرار بگیرد، پذیرفت. از سویی دیگر، می‌توان قدرت خاص نویسنده را در به‌کارگیری این عنصر، به‌طور پیوسته و طبیعی در رمان، به عنوان یکی از جنبه‌های قوت اثر در نظر گرفت.

### فهرست منابع فارسی

۱. *نیروی/هریمنیش*، فیلیپ پولمن، ترجمه فرزاد فرید، کتاب پنجره، چاپ اول ۱۳۸۵، مجموعه ۵ جلدی
۲. *متافیزیک از نگاه فیزیک*: زمان‌ها و جهان‌های موازی، فضا، زمان، ماورا. فرد آلن ولف و باب توبن، با مقدمه پریا، ترجمه شهریار تقی شهرستانی، نشر یاهو، چاپ سوم ۱۳۸۷

### فهرست منابع انگلیسی

1. Ghesquiere, Rita (2008). *Contemporary Religious Writing*. International Companion Encyclopedia of Children's. Second Ed. ed. Peter Hunt
2. Hunt, Peter, and Millicent Lenz (2001). *Alternative Worlds in Fantasy Fiction*. New York: Continuum.
3. Malpas, Simon (2005). *The Postmodern: The New Critical Idioms*. London: Routledge.
4. McHale, Brian (1992). *Constructing Postmodernism*. London: Routledge
5. McHale, Brian (1987). *Postmodernist Fiction*. London: Routledge.
6. Pullman, Philip (2007). *His Dark Materials*. New York: Dell Laurel - Leaf Books.

7. Squires, Claire (2006). *Philip Pullman Master Story Teller: A Guide to the Worlds of His Dark Materials*. New York: Continuum.

8. Thacker, Debrah Cogan and Jean Webb (2002). *Introducing Children's Literature from Romanticism to Postmodernism*.

### پی‌نوشت‌ها

1. His Dark Materials. این اثر در فارسی، به این نام توسط فرزاد فرید، ترجمه و توسط نشر پنجره چاپ شده است.
2. hesitation
3. fantasy fiction
4. science fiction
5. postmodern fiction
6. Philip Pullman
7. Tzvetan Todorov
8. Brian McHale
9. Postmodernist Fiction
10. Paranormal
11. Philip Martin
12. plurality
13. Malpas
14. Debrah Cogan Thacker
15. Introducing Children's Literature from Romanticism to Postmodernism
16. Capitalism
17. Millicent Lenz
18. Alternative Worlds in Fantasy Fiction
19. Construction Postmodernism
20. Ghesquiere
21. Contemporary Religious Writing
22. Butler
23. Paradise Lost
24. John Milton
25. Songs of Innocence and Experience
26. The Marriage of Heaven and Hell
27. William Blake
28. Lord Asriel
29. Messiah
30. Peter Hunt
31. Nietzsche
32. Mrs. Coulter
33. Fall

34. Dust
35. Jordan College
36. Lyra
37. Northern Lights
38. dæmon ترجمه این واژه به «شیطان»، از فرزاد فرید، مترجم فارسی رمان است.
39. Squires
40. Brytain
41. Britain

۴۲. ترجمه فرزاد فرید، جلد ۲

43. Serafine Pekkala
44. Iorek
45. Multiple Identity
46. Lizzie Brooks
47. Roger
48. Fred Alan Wolf
49. Bob Toben
50. Space-Timeand Beyond: Toward an Explanation of the Unexplainable
51. The Subtle Knife
52. Will
53. Dr. Mary Malone
54. The Amber Spyglass
55. Pantalaimon نام شیطان لایرا در داستان
56. Metatron
57. The Authority
58. Pan